

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

قانونه یار حقوق تجارته

مؤلف: وحید امینی

انتشارات چتر دانش - ۱۳۹۶



- سرشناسه
- عنوان و نام پدیدآور
- مشخصات نشر
- مشخصات ظاهری
- شابک
- وضعیت فهرست‌نویسی
- یادداشت
- موضوع
- موضوع
- موضوع
- رده بندی کنگره
- رده بندی دیویی
- شماره کتابشناسی ملی



- نام کتاب
- ناشر
- مؤلف
- نوبت و سال چاپ
- شمارگان
- شابک
- قیمت

امینی، وحید، ۱۳۶۲ -
قانون یار حقوق تجارت/مولف وحید امینی
تهران: چتر دانش، ۱۳۹۴.
۷۶۵ص..
۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۲۶-۷
فیپا
چاپ یازدهم.
دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- ایران -- آزمون‌ها
حقوق تجارت -- ایران -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
حقوق تجارت -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
LB۲۳۵۳
۳۷۸/۱۶۶۴
۳۹۸۳۰۶۷
قانون یار حقوق تجارت
چتر دانش
وحید امینی
هجدهم- ۱۳۹۶
۱۰۰۰
۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۲۶-۷
۳۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری‌جاوید(اردیبهشت‌شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه ظهور برساند.

فرزاد دانشور
مدیر مسئول انتشارات چتر دانش



فهرست

قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱ کمیسیون قوانین عدلیه با اصلاحات بعدی).....	۸
باب اول: تجار و معاملات تجاری.....	۸
باب دوم: دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری.....	۳۰
فصل اول: دفاتر تجاری.....	۳۰
قوانین مرتبط.....	۴۳
فصل دوم: دفتر ثبت تجاری.....	۴۸
نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۸۰.....	۴۹
باب سوم: شرکت های تجاری.....	۵۱
فصل اول: در اقسام مختلفه شرکت ها و قواعد راجعه به آنها.....	۵۱
لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷ - کمیسیون خاص مشترک مجلسین).....	۵۳
مبحث اول: شرکت های سهامی.....	۵۳
بخش اول: تعریف و تشکیل شرکت سهامی.....	۵۳
بخش دوم: سهام.....	۷۶
بخش سوم: تبدیل سهام.....	۹۲
بخش چهارم: اوراق قرضه.....	۹۳
قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت.....	۱۰۴
آیین نامه اجرایی قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت.....	۱۰۷
بخش پنجم: مجامع عمومی.....	۱۱۲
بخش ششم: هیات مدیره.....	۱۴۲
بخش هفتم: بازرسان.....	۱۸۴
بخش هشتم: تغییرات در سرمایه شرکت.....	۱۹۲
بخش نهم: انحلال و تصفیه.....	۲۱۶
بخش دهم: حساب های شرکت.....	۲۳۱
بخش یازدهم: مقررات جزایی.....	۲۳۵
بخش دوازدهم: مقررات مختلف مربوط به شرکت های سهامی.....	۲۴۰
مبحث دوم: شرکت با مسئولیت محدود.....	۲۵۲
مبحث سوم: شرکت تضامنی.....	۲۸۳
مبحث چهارم: در شرکت مختلط غیر سهامی.....	۳۰۸
مبحث پنجم: شرکت مختلط سهامی.....	۳۱۳
مبحث ششم: شرکت نسبی.....	۳۱۵

۳۲۳	مبحث هفتم: شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف
۳۲۶	فصل دوم: در مقررات راجعه به ثبت شرکت‌ها و نشر شرکتنامه‌ها
۳۲۹	قانون راجع به ثبت شرکت‌ها (مصوب ۲ خرداد ماه ۱۳۱۰ شمسی)
۳۳۲	فصل سوم: در تصفیه امور شرکتها
۳۳۷	فصل چهارم: مقررات مختلفه
۳۴۱	باب چهارم: برات، فته طلب، چک
۳۴۱	فصل اول: برات
۳۴۱	مبحث اول: صورت برات
۳۵۶	مبحث دوم: در قبول و نکول
۳۶۹	مبحث سوم: در قبولی شخص ثالث
۳۷۰	مبحث چهارم: در وعده برات
۳۷۳	مبحث پنجم: ظهرنویسی
۳۷۹	مبحث ششم: مسئولیت
۳۹۶	مبحث هفتم: در پرداخت
۴۰۶	مبحث هشتم: تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث
۴۰۹	مبحث نهم: حقوق و وظایف دارنده برات
۴۲۱	مبحث دهم: در اعتراض (پروتست)
۴۲۴	مبحث یازدهم: برات رجوعی
۴۲۷	مبحث دوازدهم: قوانین خارجی
۴۲۸	فصل دوم: در فته طلب (سفته)
۴۴۱	فصل سوم: چک
۴۵۹	قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصطلاحات بعدی
۵۰۰	فصل چهارم: در مرور زمان
۵۰۵	باب پنجم: اسناد در وجه حامل
۵۰۸	باب ششم: دلالی
۵۰۸	فصل اول: کلیات
۵۱۸	فصل دوم: اجرت دلال و مخارج
۵۲۵	فصل سوم: دفتر
۵۲۶	قانون راجع به دلالتان مصوب ۷ اسفندماه ۱۳۱۷
۵۳۰	باب هفتم: حق العمل کاری (کمسیون)
۵۴۸	باب هشتم: قرارداد حمل و نقل

۵۷۳	باب نهم: قائم مقام تجار تی و سایر نمایندگان تجار تی
۵۷۷	باب دهم: ضمانت
۵۸۴	باب یازدهم: در ورشکستگی
۵۸۴	فصل اول: در کلیات
۵۸۸	فصل دوم: در اعلان ورشکستگی و اثرات آن
۶۱۵	فصل سوم: در تعیین عضو ناظر
۶۱۶	فصل چهارم: در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته
۶۱۹	فصل پنجم: در مدیر تصفیه
۶۲۰	فصل ششم: در وظایف مدیر تصفیه
۶۲۰	مبحث اول: در کلیات
۶۲۳	مبحث دوم: در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی
۶۲۳	مبحث سوم: در فروش اموال و وصول مطالبات
۶۲۵	مبحث چهارم: در اقدامات تأمینیه
۶۲۵	مبحث پنجم: در تشخیص مطالبات طلبکارها
۶۲۶	نظامنامه امور ورشکستگی قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱
۶۳۱	فصل هفتم: در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته
۶۳۱	مبحث اول: در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها
۶۳۲	مبحث دوم: در قرارداد ارفاقی
۶۳۲	فقره اول: در ترتیب قرارداد ارفاقی
۶۴۱	فقره دوم: در اثرات قرارداد ارفاقی
۶۴۳	فقره سوم: در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی
۶۵۱	مبحث سوم: در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی
۶۵۵	فصل هشتم: در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها
۶۵۵	مبحث اول: در طلبکارهایی که رهنه منقول دارند
۶۵۶	مبحث دوم: در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حق تقدم دارند
۶۵۸	فصل نهم: در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول
۶۵۹	فصل دهم: در دعوی استرداد
۶۶۷	فصل یازدهم: در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی
۶۷۰	باب دوازدهم: در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب
۶۷۰	فصل اول: در ورشکستگی به تقصیر
۶۷۷	فصل دوم: در ورشکستگی به تقلب

فصل سوم: در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند.....	۶۷۹
فصل چهارم: در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب.....	۶۸۲
باب سیزدهم: در اعاده اعتبار.....	۶۸۳
باب چهاردهم: اسم تجارته.....	۶۹۰
باب پانزدهم: شخصیت حقوقی.....	۶۹۶
فصل اول: اشخاص حقوقی.....	۶۹۶
آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری (مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی)	۶۹۹
فصل دوم: حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی.....	۷۰۱
باب شانزدهم: مقررات نهایی.....	۷۰۴
قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸.....	۷۰۵
مبحث اول: سازمان اداره تصفیه.....	۷۰۵
مبحث دوم: اقدامات تأمینی اداره تصفیه.....	۷۰۸
مبحث سوم: دعوت بستانکاران.....	۷۱۰
مبحث چهارم: اداره اموال.....	۷۱۲
مبحث پنجم: رسیدگی به مطالبات.....	۷۱۳
مبحث ششم: تصفیه.....	۷۱۳
مبحث هفتم: تقسیم وجوه حاصله از فروش.....	۷۱۶
مبحث هشتم: خاتمه ورشکستگی.....	۷۱۷
مبحث نهم: مقررات مالی.....	۷۱۷
مبحث دهم: مقررات مخصوص.....	۷۱۸
سوالات متفرقه.....	۷۲۹
ضمائم.....	۷۳۵
۱. تکالیف عام تجار.....	۷۳۵
۲. سهام.....	۷۳۶
۳. مجامع عمومی.....	۷۴۰
۴. هیات مدیره و مدیران.....	۷۴۴
۵. بازرس.....	۷۵۱
۶. تغییرات در سرمایه شرکت.....	۷۵۴
۷. حسابهای شرکت.....	۷۶۰
۸. قبولی، ظهرنویسی و نکول.....	۷۶۲

قانون تجارت

(مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ کمیسیون قوانین عدلیه با اصلاحات بعدی)

باب اول: تجار و معاملات تجاری

ماده ۱- تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

نکته ۱- تاجر کیست؟

۱- تاجر در ماده ۱ با شاخص "کس" مورد اشاره قرار گرفته است اما به اتفاق تمام حقوقدانان بهتر بود که قانونگذار به جای واژه کس از واژه شخص استفاده می‌کرد تا هم شامل تجار حقیقی (انسان) باشد هم شامل تجار حقوقی (شرکتهای تجاری)؛ پس تاجر می‌تواند شخص حقوقی یا شخص حقیقی باشد.

۲- تاجر به شخصی گفته می‌شود که اعمال تجاری (که عموماً در ماده ۲ قانون تجارت مذکور هستند) را شغل معمولی خود قرار دهد و بدیهی است که هر زمان بخواهد می‌تواند از این شغل کناره‌گیری کند ولی در زمانی که به تجارت مشغول است لازم است که امرار معاش وی از طریق تجارت باشد.

۳- تاجر باید اعمال تجاری را به نام و حساب خود انجام دهد به نحوی که خود متحمل سود و زیان آن باشد. در ادامه این ضابطه را در ارتباط با برخی مشاغل تحلیل می‌کنیم.

الف- مدیران شرکت: از آنجایی که مدیران شرکت به نام و حساب شرکت معامله می‌کنند؛ لذا مدیران شرکت تاجر نیستند.

ب- دلال: این شخص تاجری است که برای اشخاصی که قصد دارند معامله کنند طرف معامله پیدا می‌کند و واسطه انعقاد معامله بین آنها می‌شود ولی خود طرف معامله نیست و دلیل اینکه تاجر محسوب می‌شود آن است که به نام و حساب خود دلالی می‌کند.

ت- عامل: قانون تجارت از عامل تعریفی ارائه نداده است اما حقوقدانان سه معیار متفاوت برای تشخیص عامل ارائه داده اند. اول آنکه عامل هرچند قابل عزل است اما اگر بطور ناموجه عزل شود می‌تواند از آمر جبران خسارتهای خود را مطالبه کند؛ دوم آنکه عموماً عامل از خود سرمایه دارد و در تامین سرمایه به آمر خود کمک می‌کند و سوم آنکه عامل به نام و حساب آمر معامله می‌کند. در میان این سه معیار معیار اخیر نمی‌تواند صحیح باشد؛ چرا که در این صورت تاجر بودن عامل زیر سوال می‌رود و این در حالی است که عامل طبق قانون تجارت تاجر است و اشتغال به تجارت منوط به آن است که به نام و حساب خود صورت گیرد به نحوی که شخص تاجر متحمل سود و زیان آن نوع تجارت گردد.

ث- حق العمل کار: طبق م ۳۵۷ ق.ت. حق العمل کار کسی است که به نام خود اما به حساب دیگری معامله می‌کند. برای مثال آمر به حق العمل کار دستور می‌دهد که برای وی ۱۰۰ عدل (بسته) پنبه بخرد، در این صورت حق العمل کار از فروشنده پنبه‌ها را می‌خرد و پنبه‌ها را به آمر در ازای حق العمل و هزینه‌های

صرف شده تحویل می‌دهد. در اینجا حق‌العمل‌کار در مقابل فروشنده اصیل است ولی در مقابل آمر وکیل و حکم ماده ۳۵۸ قانون تجارت که مقررات باب وکالت قانون مدنی را در صورت سکوت قانون تجارت حاکم می‌داند، صرفاً محدود به رابطه آمر و حق‌العمل‌کار است و رابطه حق‌العمل‌کار و فروشنده (اصیل) مشمول قانون مدنی نیست؛ چرا که حق‌العمل‌کار در مقابل فروشنده اصیل است (شخصاً متعهد به اجرای قرارداد است)؛ یعنی حق‌العمل‌کار نمی‌تواند به مسائل مربوط به رابطه قراردادی خود با آمر در مقابل فروشنده استناد کند.

ج- قائم مقام تجاری: قائم مقام تجاری به نام و حساب رییس تجارتخانه فعالیت می‌کند؛ لذا تاجر نیست.

ح- مامور حمل و نقل: در شغل تجاری حمل و نقل شخصی که تاجر و مشمول حقوق تجارت است، متصدی حمل و نقل است نه مامور حمل و نقل. برای مثال احمد به متصدی حمل و نقل ۱۰۰ عدل پارچه داده است تا آنها را از تهران به کرمانشاه منتقل نماید، متصدی حمل و نقل نیز برای این امر از ماموری استفاده می‌کند تا محموله را به وسیله کامیون به مقصد برساند، در این فرض شخصی که تاجر است، متصدی است نه مامور حمل و نقل؛ چرا که مامور حمل و نقل به قصد تجارت و به نام و حساب خود این ماموریت را انجام نمی‌دهد بلکه این متصدی است که به قصد تحصیل منفعت به تجارت می‌پردازد آن هم به نام و حساب خود.

خ- اجزاء، خدمه و شاگرد تاجر: اینان اشخاصی هستند که فرض می‌شود با تاجر دارای رابطه‌ی کاری هستند و هر آنچه که انجام می‌دهند به اذن تاجر (رییس) است؛ لذا به نام و حساب خود فعالیت نمی‌کنند و در نتیجه تاجر هم نیستند.

د- اولیاء و قیم تاجر محجور: فرض کنید که تاجری دیوانه شود، در این حالت اداره‌ی امور تجاری وی طبق قانون به همانند سایر امور وی به قیم سپرده خواهد شد، حال سوال این است که آیا قیم تاجر است یا تاجر دیوانه شده همچنان تاجر است؟

در پاسخ باید گفت که قیم به تجارت نمی‌پردازد؛ چرا که اولاً به نام و حساب خود فعالیت نمی‌کند؛ ثانیاً به اداره امور محجور می‌پردازد نه به تجارت. تاجر دیوانه شده هم تاجر نیست؛ چرا که تاجر بودن نیازمند قصد و اراده است که تاجر دیوانه شده آنها را ندارد؛ ثانیاً به دلیل اینکه در وصف تاجر بودن تاجر تردید جدی وجود دارد، نمی‌توان تاجر بودن وی را استصحاب کرد. بنابراین در فرض ما تاجر وجود ندارد اما **اداره امور تجاری** موضوعیت دارد و حدود وظایف قیم در چارچوب اداره امور تجاری تعریف می‌گردد. (مستند این نظریه وحدت ملاک از ماده ۴۰۰ قانون تجارت در باب قائم مقام تجاری است.)

ذ- مدیر تصفیه: هر گاه که تاجری ورشکسته شود، تاجر از مداخله در امور تجاری‌اش منع و اداره امور تجاری او به مدیر تصفیه واگذار می‌گردد. در این صورت، همانند حالت قبل مدیر تصفیه تاجر تلقی نمی‌شود؛ چرا که تمام مداخلاتی که انجام می‌دهد در راستای اداره امور تاجر ورشکسته است و خود شخصاً

به تجارت نمی‌پردازد.

نکته ۲- نحوه احراز تاجر بودن:

- ۱- احراز تاجر بودن یا نبودن یک شخص اساساً با دادگاه است.
۲. هیچ دلیلی که بطور قطع دلالت بر تاجر بودن شخصی کند، وجود ندارد و تمام ادله‌ای که در حقوق تجارت در این باب وجود دارد، ظنی الدلاله و موردی می‌باشند که در ادامه اهم آنها را نام برده و برخی از آنها را توضیح می‌دهیم:

الف- داشتن دفاتر تجاری

ب- ثبت نام تاجر در دفتر ثبت تجاری

ت- استفاده از اسناد تجاری مانند برات، سفته و چک.

ث- داشتن پروانه بازرگانی.

ج- گردش سرمایه بالا.

ح- داشتن برگ تشخیص مالیات مشاغل.

خ- سایر اوراق و اسناد

- د- شهادت دیگران بر اشتغال شخص به تجارت: ترتیب اثر دادن به شهادت دیگران مبنی بر اینکه شخصی به تجارت مبادرت ورزیده است در هر حال منوط به اقناع وجدانی قاضی و برآورده شدن سایر مقضیات و مفقود بودن برخی موانع است؛ چرا که ممکن است شخص مذکور آن فعالیت را به نام و حساب دیگری انجام داده باشد و شاهد صرفاً ناظر امر مادی بوده و از قصد و اراده شخص مطلع نباشد.
- ذ- اقرار: تاجر می‌تواند اقرار به انجام دادن تجارت کند اما در این صورت تاجر بودن وی منوط به احراز شرایط از جانب قاضی است.

نکته ۳- آثار تاجر بودن:

- ۱- تاجر مکلف به تکالیف عام تجار است. این تکالیف عام عبارتند از:
 - الف- داشتن دفاتر تجاری قانونی
 - ب- ثبت نام در دفتر ثبت تجاری
 - ت- اعلام توقف و ورشکستگی حسب مورد.
- ۲- بدیهی است که تنها تاجر می‌تواند موصوف به وصف ورشکسته شود؛ از این رو، سایر اشخاص غیرتاجر در صورت ناتوانی در پرداخت دیونشان معسر می‌گردند نه ورشکسته.
- ۳- قانون تجارت در ماده ۳ ق.ت. برخی از معاملات تجاری تبعی را ذکر کرده است. به همین خاطر اثر دیگر تاجر بودن شخص، موضوعیت یافتن ماده ۳ قانون تجارت است.
- ۴- اصل آن است که اعمال و فعالیت‌های اشخاص بطور کلی تجاری نیستند اما در باب تجار طبق ماده ۵ ق.ت. فرض بر آن است که کلیه معاملات تجار، تجاری است مگر اینکه ثابت شود که معامله مربوط به

امور تجارتي نبوده است.

نکته ۴- محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اشتغال به تجارت

۱- اشتغال به تجارت اصولاً نیازمند کسب مجوز و طی تشریفات نیست و این دلالت بر اصل آزادی تجارت دارد اما در دنیای مدرن برای تنظیم امور، تجار به‌موجب قانون مکلف به اجرای تکالیفی شده‌اند که تکالیف عام و خاص تجار نام دارند. برای مثال مبادرت به دلالتی به‌موجب قانون دلالان مصوب ۱۳۱۷ منوط به داشتن پروانه دلالتی است. به علاوه این تکالیف، بطور استثنایی و طبق سیاست‌های دولتی ممکن است که اشتغال به برخی معاملات تجارتي موقتاً یا دائماً برای برخی از اشخاص ممنوع یا محدود شده باشد که در ادامه چند نمونه از این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها ذکر می‌گردد:

الف- ممنوعیت‌های شخصی: این نوع محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها به خاطر ویژگی‌های اشخاص اعم از بیگانه یا کارمند دولت بودن و ... وضع می‌گردد.

الف-۱) ممنوعیت اشخاص ایرانی: اشخاص ایرانی ممکن است **مطلقاً** از تجارت محروم باشند؛ مانند قضات و سردفتران یا بطور **نسبی (محدودیت)**؛ مانند کارمندان دولت که فقط از ورود و مداخله در معاملات دولتی ممنوع هستند.

الف-۲) ممنوعیت بیگانگان: بیگانگانی که در قلمرو کشور دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهند سرمایه‌گذار خارجی تلقی می‌شوند و بسته به سیاست‌های دولتی ممکن است که اشتغال به نوعی تجارت برای بیگانگان آزاد یا ممنوع باشد. مثلاً قبل از انقلاب اسلامی، اشتغال به فعالیت‌های بیمه‌ای و بانکی برای بیگانگان مجاز بود اما با انقلاب اسلامی این آزادی از بین رفت تا اینکه با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مجدداً امکان حضور بیگانگان در این صنعت فراهم شد. برای محدودیت بیگانگان می‌توان به این مورد اشاره کرد که اشتغال به تجارت برای اشخاص بیگانه در ایران می‌تواند منوط به مشارکت اشخاص ایرانی با سرمایه‌گذار خارجی باشد برای مثال در صنعت بیمه و قراردادهای نفت و گاز ایران چنین محدودیتی وجود دارد.

ب- ممنوعیت‌های موضوعی: منظور از این ممنوعیت لحاظ کردن یکسری محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها حسب **موضوع** تجارت است نه ویژگی‌های شخص تاجر. برای مثال فعالیت در صنعت اسلحه‌سازی خواه برای ایرانی خواه برای بیگانه ممنوع است و این نوع ممنوعیت به خاطر ویژگی‌های تاجر نیست بلکه به علت شرایط خاص فعالیت مذکور است.

۱- دلالت در صورتی تاجر محسوب می‌شود که: (ارشد سراسری - ۱۳۷۲)

الف) از اداره یا سازمان ذربط پرونده دلالتی اخذ کرده باشد.

ب) در رشته واحدی فعالیت داشته باشد.

ج) به‌کار دلالتی به عنوان شغل معمولی پرداخته باشد.

د) شغل دلالتی را در قالب بنگاه یا مؤسسه انجام داده باشد.

- ۲- صغیر چگونه می‌تواند در شرکت‌های سهامی سرمایه‌گذاری کند؟ (سردفتری - ۱۳۷۵)
- الف) با اذن ولی خود.
 ب) توسط ولی خاص خود.
 ج) توسط ولی خاص خود و با اجازه دادستان.
 د) فقط توسط دادستان.
- ۳- کارمند دولت که در خارج از وقت اداری اشتغال به تجارت دارد: (وکالت - ۱۳۸۱)
- الف) تاجر محسوب می‌شود.
 ب) به هیچ وجه تاجر محسوب نمی‌شود.
 ج) در صورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت شغل اصلی او باشد.
 د) در صورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت با شغل اصلی او منافات نداشته باشد.
- ۴- کدام یک از عبارات زیر در مورد اشتغال خارجیان به تجارت در ایران، صحیح است؟ (ارشد سراسری - ۱۳۸۴)
- الف) اتباع خارجه حق تجارت در ایران ندارند.
 ب) اتباع خارجه فقط با مشارکت اتباع ایران می‌توانند به تجارت اشتغال یابند.
 ج) اتباع خارجه بدون محدودیت، حق اشتغال به هر نوع تجارت در ایران دارند.
 د) اتباع خارجه حق اشتغال به تجارت در ایران دارند مگر در زمینه‌هایی که منع خاص وجود دارد.
- ۵- مدیران شرکت‌های تجاری: (ارشد سراسری - ۱۳۸۴)
- الف) تاجر محسوب می‌شوند چون به نام خود عمل می‌کنند.
 ب) تاجر محسوب نمی‌شوند چون به نام دیگری عمل می‌کنند.
 ج) تاجر محسوب می‌شوند چون به نام خود و به حساب خود عمل می‌کنند.
 د) تاجر محسوب نمی‌شوند چون به نام خود و به حساب دیگری عمل می‌کنند.
- ۶- کدام تعریف در مورد تاجر صحیح می‌باشد؟ (مشاوران حقوقی - ۱۳۸۶)
- الف) تاجر کسی است که شغل متعارف خود را انجام معاملات سود آور قرار دهد.
 ب) تاجر شخصی است که شغل دائم خود را معاملات تجارتي سود آور قرار دهد.
 ج) تاجر شخصی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار دهد.
 د) تاجر کسی است که شغل معمولی خود را انجام انواع معاملات قرار دهد.
- ۷- نداشتن پروانه مانع از حکومت مقررات (ارشد سراسری - ۱۳۸۶)
- الف) حق‌العمل کاری قانون تجارت نیست اما دلال را از شمول مقررات دلالی خارج می‌کند.
 ب) دلالی قانون تجارت نیست اما حق‌العمل کار را از شمول مقررات حق‌العمل کاری خارج می‌کند.
 ج) دلالی و حق‌العمل کاری قانون تجارت است.
 د) دلالی و حق‌العمل کاری قانون تجارت نیست.
- ۸- کدام یک از اشخاص ذیل تاجر نیست؟ (وکالت - ۱۳۸۷)

الف) دلال (ب) حق العمل کار (ج) کسبه جزء (د) قائم مقام تجارتي
 ۹- کدام یک از اشخاص ذیل تاجر نیستند؟ (ارشد آزاد- ۱۳۸۹)

الف) مدیرعامل یک شرکت تضامنی (ب) کارگزار بورس
 ج) بیمه گر (د) انبار عمومی

۱۰- تاجری فوت نموده و تمام مال التجاره وی به فرزندش که صغیر است ارث رسیده و اموال مزبور توسط قیم اداره می شود. در اینجا چه کسی تاجر محسوب می شود؟ (ارشد آزاد- ۱۳۸۹)

الف) صغیر (ب) قیم
 ج) نه صغیر نه قیم تاجر محسوب نمی شوند. (د) هر دو

پاسخنامه			
سؤال ۱: ج	سؤال ۲: الف	سؤال ۳: الف	سؤال ۴: د
سؤال ۵: ب	سؤال ۶: ج	سؤال ۷: د	سؤال ۸: د
سؤال ۹: الف	سؤال ۱۰: ج		

ماده ۲- معاملات تجارتي از قرار ذیل است:

- ۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
- ۲- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.
- ۳- هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمیسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.
- ۴- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.
- ۵- تصدی به عملیات حراجی.
- ۶- تصدی به هر قسم نمایشگاه های عمومی.
- ۷- هر قسم عملیات صرافی و بانکی.
- ۸- معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.
- ۹- عملیات بیمه بحری و غیربحری.
- ۱۰- کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.

نکته ۱- در میان حقوقدانان تجارت، دو معیار در پاسخ به این سوال که قانون تجارت در باب چه مسئله ای است؟ وجود دارد. معیار اول، معیار شخصی است که حکایت از آن دارد که قانون تجارت قانون تجار است و به تنظیم رفتار تجار می پردازد. معیار دوم، معیار موضوعی است که حکایت از این مسئله دارد که قانون تجارت به منظور تنظیم فعالیتهای تجاری تدوین و تصویب گردیده است. در این راستا قانون گذار